



# نوشتاری در باب روش‌شناسی تحقیق

■ دکتر زهیر حیاتی<sup>۱</sup>

عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

## «زندگی سراسر حل مسئله است»

کارل پوپر

برای حل مسئله باید ابتدا سؤال شود و همیشه پرسیده شود. انسان پویا و جست‌وجوگر ناشناخته‌ها را به‌صورت سؤال مطرح می‌کند. برای پاسخ به سؤالات که همیشه یک پاسخ صریح ندارند، باید راه طولانی‌تری رفت. این راه طولانی در صورتی به پاسخ مناسبی منتهی خواهد شد که به‌صورت نظام‌مند پیموده شود. ویژگی مهم این مسیر داشتن روش است. برای پیمودن راه تحقیق باید ذهنی آماده داشت و چنین ذهنی باید روش‌شناسی را در خود پروراند باشد. به‌قول معروف فنون تحقیق را می‌توان به‌راحتی با خواندن چند کتاب روش تحقیق آموخت یا برای اجرای آنها از دیگران کمک گرفت (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۳). برای پاسخ به سؤالی یا حل مسئله‌ای چگونه باید رفتار کرد و چه گام‌هایی باید پیمود. خیلی کسان هستند که علاقه دارند مسئله‌ای را بررسی کنند، ولی احتمالاً نمی‌دانند چگونه. پژوهشگران با تجربه نیز گاهی دچار چنین تردیدهایی می‌شوند. این نوشته مختصر بر آن است که در شناساندن این راه کمک کند و مسیری را بازنویسی نماید که پژوهشگران را یاری کند.

در شروع کار تحقیق پژوهشگر لازم است اطمینان یابد که کار مهمی را از جنبه داشتن اصالت و تازگی انجام می‌دهد، کاری که انرژی حاصل از آن می‌تواند او را تا پایان کار ببرد. چنین طرحی البته لازم نیست که خیلی بزرگ، پیچیده و دشوار باشد. یک اصل فیزیکی را همیشه باید به‌یاد داشته باشیم و آن انجام کار و رسیدن به هدف با صرف کمترین میزان انرژی مصرفی است. این اصل به ما می‌آموزد که در ابتدا باید درست اندیشه کنیم و ابزاری مناسب با کاری که می‌خواهیم انجام دهیم، برگزینیم. این اصل شامل انتخاب روش تحقیق نیز می‌شود.

روش تحقیق درحقیقت نوعی روش علمی برای رسیدن به هدف است، لذا لازم است که سه اصل کلی آن که دورشدن از پیش‌دوری‌ها، ساختن و تجربه‌کردن است، به‌درستی در اندیشه پژوهشگر یا پژوهشگران شکل بگیرد. وظیفه پژوهشگر شفاف‌سازی آنچه مبهم است، می‌باشد و نه اثبات ذهنیات خود. بیان شفاف سه اصل مذکور و نشان‌دادن آنها در روش‌شناسی تحقیق می‌تواند به پژوهشگران به‌خصوص پژوهشگران جوان و تازه‌کار کمک کند.

در مرحله جدانشدن از پیش‌دوری‌ها لازم است که پژوهشگر برای تحقیق خود و مسئله‌ای که ذهن او را مشغول داشته است، سؤالی را که حاوی موارد موردنظر است، به‌صورت شفاف بیان کند. جنبه مهم

چنین پرسشی آن است که جنبه عملی کردن در آن لحاظ شده باشد، یعنی بتوان آن را دنبال نمود و داده‌های کافی درباره آن فراهم کرد. با طرح این پرسش کار تحقیق رقم می‌خورد و این سؤالی است که پیوسته همراه پژوهشگر خواهد بود. پژوهشگر می‌تواند سؤال را اصلاح کند، ولی در صورت پایبندی به موضوع نمی‌تواند آن را فراموش یا رها کند. فرضیه‌های تحقیق که در مراحل بعد تدوین می‌شوند، تلاشی برای پاسخ‌گویی مقدماتی به این سؤال است.

مرحله بعد اجرای مطالعات اکتشافی است. در این مرحله پژوهشگر سعی می‌کند با مطالعات هدف‌مندی که انجام می‌دهد و مصاحبه‌هایی که با افراد آگاه به موضوع تحقیق به‌عمل می‌آورد، دیدگاه‌های جدیدی درباره مسئله تحقیق و سؤال مطرح‌شده بیابد. راهنمای اجرای این مرحله سؤال مقدماتی مطرح‌شده است که پژوهشگر را از اجرای مطالعات اضافی و گردآوری هر آنچه ممکن است، آزاد می‌کند. در این صورت او می‌داند که در میان منابع به دنبال چه بگردد، چه چیزی را گردآوری کند و در مصاحبه‌ها چه سؤالاتی را مطرح کند.

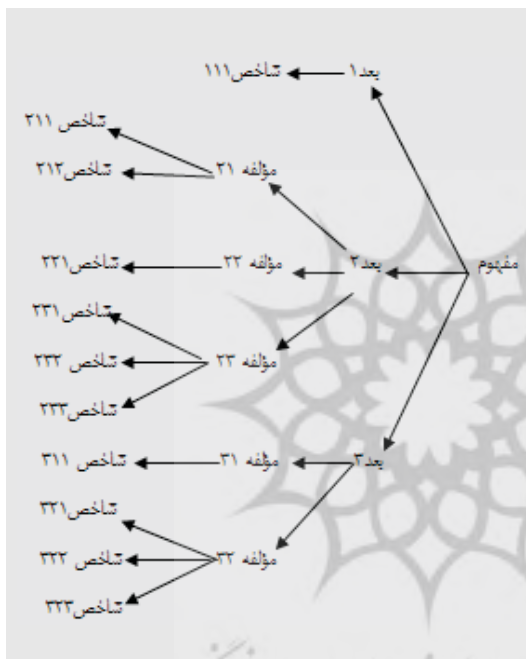
به‌دنبال مرحله مذکور پژوهشگر باید به طرح نظری مسئله تحقیق بپردازد. در مرحله مذکور محورهای اصلی تحقیق مشخص شده و یک طرح نظری متناسب با مسئله تحقیق که در سؤال مقدماتی مطرح شده بود، تدوین می‌شود. فعالیت‌هایی که در این مرحله باید صورت گیرد، به‌ترتیب عبارتند از: بررسی دیدگاه‌های مختلف درباره مسئله تحقیق و چارچوب‌های نظری که هر کدام از آنها برای بررسی مسئله تحقیق برگزیده‌اند. در این مرحله یافتن تشابهات و تضادها میان دیدگاه‌های پژوهشگر با دیگران بسیار مهم است. چون پژوهشگر را به انتخاب یک طرح قدیمی راهنمایی می‌کند یا او با کمک آنچه در مرحله مطالعات اکتشافی به‌دست آورده است، باید چارچوب نظری جدیدی را تهیه و معرفی کند.

در چارچوب نظری تحقیق لازم است پژوهشگر به‌صورت شفاف به بیان مفهومی پدیده‌های موضوع تحقیق و ارتباطی که میان آنها وجود دارد، بپردازد. این مرحله‌ای است بس مهم که به‌سلامت‌گذشتن از آن موفقیت تحقیق را تا اندازه زیاد تضمین می‌کند. در این مرحله علاوه بر اینکه فرضیه‌هایی برای پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق فراهم می‌شود، زیربنای نظری مدل تحقیق نیز پی‌ریزی می‌شود.

در پرتو بیان مفاهیم که به‌دور از بیان یک تعریف ساده است، مشخص می‌شود که پژوهشگر با چه نوع پدیده‌هایی سروکار دارد. مفهوم‌سازی، فعالیت‌های انتزاعی برای درک یک امر واقعی است. از این‌رو در آن به جنبه‌هایی توجه و تأکید می‌شود که موردنظر محقق

**در شروع کار تحقیق پژوهشگر لازم است اطمینان یابد که کار مهمی را از جنبه داشتن اصالت و تازگی انجام می‌دهد، کاری که انرژی حاصل از آن می‌تواند او را تا پایان کار ببرد**

**روش تحقیق در حقیقت نوعی روش علمی برای رسیدن به هدف است، لذا لازم است که سه اصل کلی آن که دور شدن از پیش‌داوری‌ها، ساختن و تجربه کردن است، به‌درستی در اندیشه پژوهشگر یا پژوهشگران شکل بگیرد**



است و برای تحقیق وی اهمیت دارد. مفاهیم خود شیوه‌ای را برای بررسی پدیده‌ها نشان نمی‌دهند و انجام وظیفه مذکور به فرضیه‌های تحقیق سپرده شده است.

فرضیه همان‌گونه که ذکر شد، پاسخ‌های موقتی برای پرسش‌ها از جمله پرسش مقدماتی فراهم می‌کند. تلاش عمده فرضیه برقراری ارتباط منطقی میان دو مفهوم است. دو مفهومی که تجربه یا مطالعات اکتشافی ما نشان داده است که می‌توانند نوعی رابطه با هم داشته باشند. در واقع فرضیه برای تحقیق، خط راهنمای مؤثری فراهم می‌کند و با وضع آن وظیفه پرسش مقدماتی به آن سپرده می‌شود. انتخاب نوع داده‌هایی که باید برای اثبات یا رد فرضیه‌های تحقیق گردآوری شوند، بر مبنای فرضیه یا فرضیه‌های وضع شده صورت می‌گیرد. مدل تحلیلی که بر مبنای فرضیه‌های مذکور ساخته می‌شود، از همین طریق نیز مورد آزمون قرار می‌گیرد. تحقیق تجربی تنها تحلیل یک امر واقعی بر مبنای مدل تحلیلی نیست، بلکه بر مبنای آن می‌توان به تصحیح و تعدیل مدل مذکور پرداخت. فرضیه‌ها حد واسطی میان تفکر نظری و یک امر تجربی هستند که به کمک آنها می‌توان نظریه‌ها را اثبات، رد، یا ژرف‌تر کرد.

**در چارچوب نظری تحقیق لازم است پژوهشگر به صورت شفاف به بیان مفهومی پدیده‌های موضوع تحقیق و ارتباطی که میان آنها وجود دارد، بپردازد**

**مدل تحلیلی (تحقیق)**

با توجه به اینکه مدل تحلیلی بر مبنای فرضیه‌ها ساخته می‌شود، لازم است که قبل از پرداختن به این کار یک بار دیگر سؤال اصلی تحقیق بازبینی شده و به روشی تدوین شود. همچنین دستاوردهای محقق از مطالعات اکتشافی می‌تواند در تدوین مدل تحلیلی بسیار مؤثر باشد. مدل تحلیلی را می‌توان به دو گونه ساخت؛ یا ابتدا فرضیه‌ها را تدوین کرد و سپس مفهوم‌سازی کرد یا ابتدا مفاهیم را ساخت و سپس فرضیه‌ها را نوشت.

در مفهوم‌سازی در مرحله نخست به تعیین و معرفی ابعاد مفهوم مورد نظر پرداخته می‌شود. ولی برای اندازه‌گیری ابعاد معرفی شده لازم است که شاخص‌هایی مناسب تعیین شود. بعضی از مفاهیم ساده هستند و ابعاد محدودی دارند، مانند مفهوم پیری که دارای یک بعد زمانی است و شاخص اندازه‌گیری آن سن است که به سادگی قابل بررسی است. اما تعیین شاخص برای همه مفاهیم به خصوص مفاهیم اجتماعی همیشه به این سادگی نیست.

بعضی از مفاهیم پیچیده هستند و لازم است که ابعاد آنها قبل از تعیین شاخص به مؤلفه‌هایی تجزیه شود. لذا تعداد ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها بر حسب مفاهیم متغیر است. شکلی که به دنبال می‌آید، می‌تواند فرایند تجزیه مفاهیم را به روشنی نشان دهد.

به دو شیوه استقرایی و قیاسی می‌توان به مفهوم‌سازی پرداخت. هر کدام از روش‌های مذکور دو سطح مختلف مفهوم‌سازی را نشان می‌دهد. روش نخست به ساخت مفاهیم عملی مجرد می‌پردازد و روش دوم مفاهیم دستگامی می‌سازد. مفاهیم عملی مجرد به صورت تجربی و بر مبنای مشاهدات مستقیم یا اطلاعاتی که جمع‌آوری شده است، ساخته می‌شوند. مفاهیم دستگامی ترکیبی و قیاسی هستند و مبنای آنها بر پایه روابطی است که میان اجزای یک نظام وجود دارد. تجربه مفهوم دستگامی را القا نمی‌کند. این مفاهیم از راه استدلال انتزاعی مانند، قیاس، تمثیل، تضاد و غیره ساخته می‌شوند. بر مبنای آنچه گفته شد پژوهشگر می‌تواند مراحل دیگر پژوهش شامل انتخاب آزمون‌های آماری مناسب، جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها و بحث و نتیجه‌گیری را با اطمینان بیشتری طی کند.

برای دست‌یافتن به توضیح بیشتر درباره آنچه ذکر شد، می‌توان به کتاب زیر مراجعه کرد.  
- کیوی، ریمون و لوک وان کامپنهود. روش تحقیق در علوم اجتماعی (نظری و عملی). ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۳ (این کتاب چاپ جدیدتری نیز دارد).

**پی‌نوشت:**

1. ZHayati@rose.shirazu.ac.ir